



سال سوم
شماره ۹۳
شنبه
۱۲ اسد ۱۳۹۸
قیمت ۱۰ افغانی
Saturday
3, August, 2019
Vol. 3
No. 93

بازتاب تمام رخ زنان



نیمه هفته

موریم درانی مؤسس ایستگاه رادیویی «راديو ميرمن» در قندهار افغانستان که بر مسائل زنان تمرکز دارد، و مسئول انجمن فرهنگی «بی بی خدیجه کبر» است. در سال ۲۰۱۲ مجله تایم او را به عنوان یکی از صد چهره تأثیرگذار دنیا انتخاب کرد. او در ۸ مارچ ۲۰۱۲ جایزه بین المللی زنان شجاع را دریافت کرد، و در ۶ آپریل سال ۲۰۱۳ شبکه دادخواهی زنان ولایت قندهار را ایجاد نمود

رویکرد نیمه

اهمیت مشارکت زنان در انتخابات

اهمیت مشارکت و نقش زنان را در هر مرحله، برای بهبود روند پیشرفت هر اجتماعی نمی توان نادیده گرفت. در این مشارکت نمی توان تنها از این زاویه نگاه کرد که زنان به حق مشارکتشان در انتخابات دست یافته اند، این مسئله تأثیر مهم و چشم گیری در بهبود جامعه دارد. از آنجایی که زنان در کنار مردان به چگونگی تهادت گذاری مبنای یک جامعه نقش عمده دارند، حضورشان در مشارکت انتخابات به اندازه‌ی مسایل دیگر مهم و سرنوشت ساز است. مشارکت سیاسی شهروندان (زن و مرد) در یک جامعه برای توسعه سیاسی قابل اهمیت بوده و به عنوان یکی از پیش نیازهای توسعه سیاسی یاد می شود. زنان جز سازندگان اصلی فعالیت های سیاسی و اجتماعی می باشند. زنان با مشارکت سیاسی در عرصه‌ی تصمیم گیری های سیاسی می توانند سرنوشت سیاسی شان را رقم بزنند. مشارکت زنان در انتخابات تضمین کننده‌ی مشروعیت حاکمیت یک دولت دموکراتیک می باشد. با این حال، یک ملت تنها در این صورت می تواند در جامعه بین المللی از اعتبار بیش تری برخوردار باشد.

محرومیت های اجتماعی به دلایل متعددی سبب شده است که اقلیت ها به میزان کم تری مورد توجه قرار بگیرند. در این میان با این که زنان بخشی مهم و سازنده‌ی یک اجتماع را می سازند، اما به صورت کل؛ همیشه به اندازه‌ی اقلیت ها با محرومیت های بسیاری رو به رو بوده اند و گفته می توانیم به اندازه و یا حتی بیش تر از اقلیت های قومی و مذهبی نادیده گرفته شده اند. در این صورت، مثل بسیاری از مواردی دیگر مشارکت زنان و واکنش آنها در یک جامعه مردسالار مثل افغانستان کم رنگ بوده و بی حساب.

در زمان های گذشته، شرکت زنان در عرصه‌ی سیاسی و دیگر موارد مربوطه به مثابه‌ی از بین رفتن و تضعیف شدن زندگی خانواده ها تلقی می شد و آنها نمی توانستند در تعیین ... صفحه ۳

عاملین آزار و اذیت زنان طبق قوانین مجازات شوند

صفحه ۳ ...



خوشبختی در تعدد زوجات؟



زهرا نازمی

در بستوی خانه های شان مورد ظلم قرار گرفته اند. اکثر آقایان آن را حق شرعی و قانونی خود می دانند در این تعجبی نیست، جالب این است که عده بی از زنان هم این مساله را قبول و حتی ترویج می کنند. مخصوصاً زنانی که خود زن دوم مردی می شوند، بر این باورند که مرد حق دارد چهار زن بگیرد و حرف شان این است که حالا مثلاً من دومی و سومی باشم چه فرقی می کند، مقصد گرسنه نمایم و خرجی داشته باشیم.

روزی سر «کلاس» با جمعی از هم صنفی هایم که در صنف حضور داشتند بحثی در مورد صیغه و گرفتن چهار زن داشتیم، بحثی که برای اکثریت مردان شیرین است، «تعدد زوجات» بحث صیغه مختص احوال شخصیه هست و نمی شود در موردش در صنف بحث کرد مخصوصاً وقتی که مخالفین از فقه حنفی باشد، به علت هم ناپذیری بودن هر دو فقه با هم این گونه صحبت ها همیشه به جنگ های لفظی و فیزیکی هم کشیده شده است. در مورد این موضوعات حساس برانگیز نمی شود حرف زد، در مبحث صیغه بنده سکوت اختیار کردم، چون ... صفحه ۲



تعدد زوجات یکی از موضوعاتی است که همیشه مورد نقد زنان و عده کمی از مردان بوده است. این که مرد می تواند تا چهار زن عقدی داشته باشد و بی نهایت صیغه، قصه کهن است که نزدیک به یک صد سال زنان این مرز و بوم به آن معترض هستند. چه آن زنانی که در خفا از خیانت شوهران شان اشک ریخته اند و چه آنانی که امکان طرح مسله را در روزنامه ها یا رسانه های دیگر داشته اند و صدای خاموش زنانی بوده اند که

مسالمت و انتخابات



تحلیل
یعقوب یسنا

کنیم. فقط برخی از رویدادهای انتقال قدرت یادآوری می شود. انتقال از خلیفه سوم اسلام به خلیفه چهارم توام با جنگ بود که این جنگ بین حضرت علی و معاویه صورت گرفت. رویداد عاشورا که در پادشاهی یزید اتفاق افتاد نیز به انتقال قدرت ارتباط داشت. سلطان محمود با وصفی که فرزندش محمد را جانشین خود تعیین کرده؛ بعد از مرگش سلطان مسعود چشم محمد برادرش را کور کرد و سلطنت را تصرف کرد.

در تاریخ معاصر افغانستان نیز بعد از احمد شاه درانی بین فرزندان او و پادشاهان بعدی، جنگ ها و خشونت های خونینی برای انتقال قدرت صورت گرفته است.

بنابراین تنها روش و اصولی که می تواند در انتقال قدرت از خشونت و جنگ جلوگیری کند دموکراسی و انتخابات است. جامعه های بشری به سادگی به دموکراسی و انتخابات دست نیافته اند، بلکه پس از تجربه‌ی خشونت ها و جنگ های بی پایان برای انتقال قدرت به دموکراسی و انتخابات توافق کرده اند. تا هنوز جامعه های بشری گزینه ای بهتر از برگزاری انتخابات برای انتقال مسالمت آمیز قدرت ندارند.

متأسفانه در افغانستان تا هنوز برای تصاحب قدرت و انتقال ... صفحه ۲

پیش از هر بحثی در باره‌ی انتخابات، واقع انتخابات برای انتقال مسالمت آمیز قدرت است. انتقال قدرت در جامعه های بشری معمولاً با جنگ و خشونت همراه بوده است.



جامعه های بشری در هر انتقال قدرت، خشونت را تجربه می کرده است. حتی در نظام های پادشاهی بین فرزندان پادشاه متوفا برای انتقال قدرت، خشونت صورت می گرفته است. قرار نیست که همه نمونه های تاریخی را یاد



مسالمت و انتخابات

می‌ساختم که امروز خود کفا می‌شدیم و سر پای خود می‌ایستادیم. با تاسف چنین نشد. اما هنوز فرصت هست که بتوانیم از مدارا، رواداری و تدبیر کار بگیریم تا جنگ و خشونت برای انتقال قدرت در جامعه‌ی ما رخ ندهد.

چاره‌ای غیر از برگزاری انتخابات برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت نداریم. برگزاری انتخاباتی که از نظر ملی و بین‌المللی باید شفاف باشد. در صورتی که انتخابات، شفاف برگزار نشود؛ طبعاً نتیجه‌ی آن قابل پذیرش نخواهد بود. این عدم پذیرش انتخابات می‌تواند موجب خشونت و براندازی نظام سیاسی شود. زیرا وضعیت سیاسی کشور، خیلی شکننده است. از یک طرف بحث قدرت بیشتر طالبان مطرح است؛ از طرفی، از حضور داعش نیز سخن گفته می‌شود؛ و مهم‌تر از همه، پایان دوره‌ی کار دولت وحدت ملی فرا رسیده است که باید قدرت از دولت وحدت ملی به دولت بعدی انتقال کند. این که در وسط این همه ماجرا، دولت وحدت ملی چگونه می‌تواند انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کند؛ این برگزاری انتخابات برای دولت وحدت ملی، آزمون بزرگی سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی است.

ما از دولت وحدت ملی و از جامعه‌ی جهانی توقع داریم که جانب مدارا، رواداری و تدبیر را در نظر گرفته برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت دست به دست هم بدهند. در این انتقال قدرت، باید ارزش‌های حقوق بشر، دموکراسی، کثرت‌گرایی فرهنگی و به‌ویژه حقوق شهروندی و جایگاه سیاسی زنان حفظ شود. در صورتی که این ارزش‌ها حفظ نشود؛ برگزاری انتخابات مصلحتی یا صلح مصلحتی نتیجه نخواهد داد، زیرا تحت اجبار و ناگزیری صورت می‌گیرد که حفظ آن مشکل خواهد بود.

اگر نتوانیم انتخابات را به گونه‌ای درست برگزار کنیم و نتوانیم دموکراسی را در جامعه تقویت کنیم؛ بار دیگر دچار آفت جنگ و خشونت می‌شویم. آنگاه در دولت‌سازی و ملت‌سازی به‌عنوان یک کشور، ناکام خواهیم شد. اگر این بار در دولت‌سازی و ملت‌سازی ناکام شویم؛ شاید نتوانیم دیگر این



ناکامی را جبران کنیم. فرصتی که پیش آمده‌است، یک فرصت بین‌المللی است که در نتیجه‌ی نشست بن به وجود آمد. ما باید در این دو دهه با استفاده از این فرصت جهانی، زیر ساخت‌های یک نظام باثبات سیاسی را

جنگ و خشونت رخ بدهد. پرسش این است که جامعه‌ی ما چرا گنجایش دموکراسی و برگزاری انتخابات را ندارد؟ مشکل در چیست؟ چرا نمی‌توانیم از روش‌های مسالمت‌آمیز برای انتقال قدرت استفاده کنیم؟ پاسخ به این پرسش‌ها توجه و تامل بیشتر درباره‌ی ساختار

اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و قومی جامعه‌ی افغانستان می‌خواهد که چرا با انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سر ناسازگاری دارد؟!

به‌هر صورت این یادداشت، گنجایش پاسخ به این پرسش‌ها را ندارد. تاکید این یادداشت این است که

قدرت، جامعه و مردم انواع آسیب و خشونت‌ها را متحمل شده‌است که تحمل این آسیب‌ها و خشونت‌ها حتا در جهان امروز می‌تواند بی‌نمونه باشد. دو دهه می‌شود که رییس‌جمهور و نماینده‌های پارلمان به‌اساس انتخابات برگزار شده می‌شوند. اما نظام سیاسی کنونی در برگزاری انتخابات چندان موفق نبوده‌است؛ معمولاً انتخابات‌های پُر از تقلب داشته‌ایم که انتخابات دولت وحدت ملی و پارلمان کنونی از ناکام‌ترین و متقلب‌ترین انتخابات‌های این دو دهه بوده‌است.

هنوز نهادهای مستقل انتخاباتی نداریم و از نظر سیستم‌سازی برای تحقق دموکراسی و برگزاری انتخابات مشکل داریم. کمیسیون‌های انتخابات از نظر استقلال و از نظر زیرساخت فنی و اجرایی قابل اعتماد نیستند. در نظام‌های سیاسی‌ای که ثبات وجود ندارد، نهادها مستقل نیست، قوه‌های سه‌گانه (اجرایه، مقننه و قضاییه) به‌درستی کارشان را انجام نمی‌دهند؛ نظام سیاسی ثباتی لازم پیدا نمی‌کند. این عدم ثبات نظام باعث می‌شود فساد بیشتر رواج پیدا کند. در چنین وضعیتی برگزاری انتخابات شفاف نیز ناممکن می‌شود.

سیاست‌مداران افغانستان و مردم افغانستان پس از این همه خشونت و جنگ برای انتقال قدرت باید تجربه می‌گرفتند تا می‌توانستند قدرت را به صورت مسالمت‌آمیز انتقال بدهند. دیده می‌شود که در بین سیاست‌مداران چندان تعهدی نسبت به انتقال مسالمت‌آمیز قدرت وجود ندارد و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت به‌صورت بنیادی در نظام سیاسی و جامعه‌ی افغانستان جا نیفتاده و نهادینه نشده‌است؛ زیرا در صورت نبود نیروهای خارجی و حضور امریکا، هر لحظه ممکن است برای انتقال قدرت در افغانستان

خوشبختی در تعدد زوجات؟

خود را ببندید و گوش‌هایتان را فعال کنید واقعا دردناک نیست آن هم در جامعه سنتی مثل افغانستان که انگشت اتهام همیشه به سمت آنان نشانه رفته "زن حتی برای لذت بردن مردان.

می‌دانم همواره در این مورد بحث شده است و باز می‌دانم تا وقتی دینی باشد این حقیقت تلخ هم همراه ما هست. ولی بیایید منطقی بیاندیشیم و شیوه زندگی را عقلانی انتخاب کنیم. زنان هم انسانند و احساس دارند، نگذارید هر روز بر تعداد جسم بی‌روح و بی‌احساس اضافه شود. هدف از نوشتن درک این مساله است که من به عنوان یک زن در آن موقعیت چه حسی می‌توانم داشته باشم و این که شما مردان می‌توانید احساسات زنان را لمس کنید و به زن به عنوان یک «انسان با احساس» بنگرید. زندگی با ازدیاد زنان نه مستحکم می‌شود، نه نواقضش برطرف و نه «بیشتر خوشبخت» می‌شوید. خوشبختی در تعدد زوجات نیست. «خوشبختی در درون ماست نه به آنچه که می‌نگریم»

بی‌بینید مولانا چه نگاه زیبایی به مقوله‌ی دین داشته است و چقدر دقیق و بجای گفته، شاید امروزه بیشتر ما به این درک رسیده باشیم، متأسفانه:

از پدر پرسید روزی یک پسر
بهترین دینها کدام است ای پدر؟
گفت من باین ندارم هیچ کار
پیش من دین‌ها ندارند اعتبار
چونکه آوردیم هر دین جدید
اختلاف بیشتر آمد پدید ...
کینه‌ها و دشمنی بسیار شد
جنگهای مذهبی تکرار شد ...
خون مردم ریخت بر روی زمین
بارها و بارها با نام دین ،،

نه مسلمانم نه ترسانه جهود
«سر به حکم عقل می‌آرم فرود
عقل میگوید که عیش دیگران
هست در همزبستی با دیگران!
دین ولی گوید که خون کافران
گر بریزی اجر داری بیکران!!!
دیگر اندیشان هم آخر آدمند
دین چرا گوید که مهدور الدم اند؟
من بدین علت ندارم دین و کیش
تا نریزم خون هموعان خویش ،،
تو هم ای فرزند تنها از «خرد»
پیروی کن تا به مینویت برد ...
با تمام مردم روی زمین
دوستی کن بهترین دین است این

مرد قرار دارد پس چرا زنان دوست ندارند زنی به مردشان نگاه چپ کند؟ آیا زن از احساسات بری است؟ آیا زن نباید مالک چیزی باشد و حس مالکیت در انحصار مرد است؟ آیا زن انسان نیست؟ اگر زنی نیم‌نگاهی به مرد بیگانه بیفکند مستوجب سرزنش است، ولی مرد هر شب در بستری می‌گذراند و سربلند و مفتخر زندگی می‌کند! آیا قوانین در جهت ارضای هوس‌های مرد درست نشده است؟ آیا دین ما مردانه نیست؟

من به عنوان یک زن به این‌گونه قوانین اعتراض دارم، این قوانینی که نسبت به ما زنان مجرا می‌شود به نفع مردان تهیه شده و بر زنان اجرا می‌گردد. زنان افغان یا بهتر بگویم زنان مسلمان چه گناهی کرده‌اند که باید با زنان دنیا فرق داشته باشند، آیا از اول خداوند زنان افغان را ضعیف و محکوم به ظلم و جور خلق کرده است؟ مثلاً لحظه‌ی خود را در قالب زنی قرار دهید که همسرش یک یا دو زن دیگر بر اساس شریعت گرفته است. در یک رختخواب دو تا زن یکی را به طرف راست و دیگری را به طرف چپ بخوابانید، زن اول و یا حتی زن دوم که خود خواسته وارد می‌شود هم تحمل بشری صورت گیرد و آن‌ها فقط نگاه کنند و هیچ حسی نداشته باشند. واقعا کمی واقع‌بینانه به این قضیه نگاه کنید و درک کنید که تقسیم کردن کسی که دوستش داری یا حتی کسی را که دوست نداری و دوستش داری یا حتی کسی با او هستی هم سخت است. برای مردان تصور زندگی گروهی آن هم با زنان بیشتر یک افتخار و هم چنان خیلی لذت‌بخش است ولی شما مردان از لحاظ احساسی با زنان فرقی نمی‌کنید «دوست داشتن» مرد و زن ندارد، چطور کسی که دوست دارید را می‌توانید تقسیم کنید؟ شما مردان حاضرید زنان خود را همین‌گونه تقسیم کنید و فکر می‌کنید غیرت فقط مردانه است و زن هیچ حسی ندارد. خیلی وقت‌ها این حس‌های نفرت انگیز زنان را از درون می‌بلعد. شاید خیلی از آقایان که متن مرا بخوانند اعتراض کنند ولی یک‌بار عمیقانه بیاندیشید که زنان چه حس‌های زجرآوری دارند در آن لحظات. خود را در قالب زنی تجسم کنید که شوهرش به او بگوید؛ می‌خواهم زن دیگری را وارد زندگی‌ام کنم حالا بخاطر هر دلیلی. چشم‌های



از خانواده‌ها دچار آن می‌شوند نداشتن آشنایی با انواع «پرده‌ای بکارت» زنان می‌باشد و خانواده‌های بی‌سواد متأسفانه همیشه منتظر دیدن خون هستند و چه خانواده‌هایی از هم بخاطر بی‌اطلاعاتی از هم پناشیده و چه خون دخترها ریخته نشده به‌خاطر مشکلی که از آن بی‌خبرند. حالا موضوع بحث ما این مسایل نیست چون صحبت بر سر این موضوعات به تنهایی در چند کلمه نمی‌گنجد. می‌رویم سر اصل موضوع. هزاران سوال در ذهنم بوجود می‌آید که باید به هر یک عمیق پرداخت. آیا این روابط درست است؟ آیا ناموس‌پرستی فقط در حیطه احساسات

صنف کمی ناراحتی و سوتفاهم پیش آمد. برای من فرقی نمی‌کند چون دوست دارم استدلال منتقدین و موافقین را هم بشنوم و بفهمم که کدام منطقی‌تر است. در مورد تعدد زوجات که در مذاهب یکسان است می‌شود بحث کرد، نقد کرد و یا این که حمایت کرد و به راحتی دلایلش را ابراز کرد. هر چند که به مزاج اکثر مردان خوش نمی‌آید چون به ضررشان هست و از لذت‌های شرعی آنان کاسته می‌شود. تعدادی از هم صنفی‌هایم طرفدار این موضوع بودند و استدلال‌شان هم چنین بود که تعداد نفوس زنان بیشتر از مردان است. جالب است که همان‌طور که می‌بینیم طی سال‌ها هنوز کاهش تعداد مردان یکی از توجهاتی است که برای وجود «قانون تعدد زوجات» به کار می‌رود. یعنی گویی مردان همیشه «کالایی کمیاب» بوده‌اند و این قانون برای رفع کمیابی پدید آمده است. در حالی که در کشورهایی با قوانین تک‌همسری اساساً چنین مشکلی وجود ندارد. در جواب اینان می‌شود گفت که طبق آمار و ارقام جدید نشریه برآورد نفوس افغانستان تعداد مردان بیشتر از زنان تخمین زده شده است، حال باید چه کرد؟ باز هم استدلال‌شان همین است!

تعدادی از طرفداران معتقدن که زنان بر اساس طبیعت، در اثر قاعدگی ماهانه، بارداری، زایمان توانایی پاسخگویی به تمایلات جنسی مرد را ندارند، لذا برای مردان که از غریزه جنسی تندی برخوردار استند، تعدد زوجات ضروری است. که این نیز گویای این است که از زنان به عنوان وسیله‌ی برای لذت‌های شهوانی خود استفاده می‌کنند و هیچ دید انسانی به «زن» و نیازهای جنسی زن ندارند. از بس که چنین حرف‌هایی گفته شده زنان خودشان باور کرده‌اند که میل جنسی‌شان کم است، حتی در بیشتر موارد زنان در روابط جنسی‌شان اصلاً متوجه نمی‌شوند که آن‌ها هم ارضای می‌شوند. در کشورهای غیر مسلمان میل جنسی مردانه و زنانه ندارد هر کس که تمایلش کشید به راحتی به دنبال لذت‌هایشان می‌روند. متأسفانه اکثر زنان افغان مطالعه ندارند و اطلاعات کمی در مورد سیستم بدنشان و حتی حقوق‌شان دارند. البته این مشکل در جوامع سنتی و مردسالارانه طبیعی است، چون زن در خیلی جاها حق تحصیل ندارد. مثال بارز و عینی که خیلی



عاملین آزار و اذیت زنان طبق قوانین مجازات شوند



گفت‌وگو: مينا نصر

گفتگو با زرقا یفتلی رییس نهاد تحقیقاتی زنان و اطفال

در ابتدا برای خوانندگان ما از خودتان بگویید و از فعالیت های تحقیقی و علمی تان؟

تشکر، زرقا یفتلی رییس نهاد تحقیقاتی اطفال، از ۲۰۰۷ به این سو، هنگامی که از دانشگاه فارغ شدم، کار را شروع کردم. در ابتدا معاون بخش تحقیق بودم. سپس رییس بخش تحقیقات زنان و اطفال شدم.

ما در حدود ۲۵ تحقیق را انجام داده ایم. این تحقیقات بیشتر در مورد کودکان و زنان است و خودم در آن ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم سهم داشته‌ام. خشونت علیه زنان در افغانستان، ازدواج های قبل از وقت کودکان، استقلال سیاسی و اقتصادی زنان، دسترسی زنان به حق میراث و مهر، دسترسی زنان به عدالت، خشونت فیزیکی علیه زنان، مشارکت زنان در روند صلح، آزار و اذیت جنسی زنان و تبعیض والدین علیه فرزندان دختر شان از جمله تحقیقات است که انجام شده و در آن ها سهم داشته‌ام. تمام این تحقیقات در وبسایت ما موجود است.

تأثیر گذاری و نتایج فعالیت های تان چقدر بوده؟

بر علاوه کارهای تحقیقی، فعالیت های دادخواهی هم داشتیم. فعالیت های دادخواهی نیز متمرکز بر حقوق زنان و کودکان بوده است. دادخواهی برای توشیح قانون خانواده

و قانون منع خشونت علیه زنان از جمله این نوع فعالیت هاست. ما سه کمیته دادخواهی را رهبری می کنیم. خودم در راس این کمیته ها هستم. نهادهای مختلف مدنی، به خصوص نهادهای که با مدیریت زنان فعالیت دارند، عضویت این کمیته ها را دارد. یکی از این کمیته ها، کمیته دادخواهی برای قانون خانواده است. مسوده خانواده هشت سال است که به دلایل نبود اراده در حکومت از طی مراحل قانونی بازمانده است.

ممکن است که در مورد قانون مدنی خانواده و روند تصویب آن بیشتر توضیح بدهید؟

به دلیلی که قانون مدنی بخش احوال شخصیه برای مردم افغانستان و به خصوص زنان جواب گوی نیازهای شان نبود. بعضی موارد از قانون مدنی در قانون خانواده جاداده شده است. مثل ازدواج، طلاق، ملکیت، مهر و حقوق اقتصادی زنان. مسوده این قانون آماده شده، اما سال هاست که مراحل قانونی اش پیموده نشده است. به همین دلیل کمیته ای دادخواهی ایجاد کردیم که این ۲۰ نفر برای قانون خانواده دادخواهی کنند. ما دادخواهی ها را با رهبری وزارت عدلیه، مجلس نمایندگان، انستیتوت قانون گذاری افغانستان و سایر نهادهای مرتبط آغاز کردیم. بلاخره وزارت عدلیه روند تدقیق قانون خانواده را شروع کرد که حالا تکمیل شده است. مسوده به شورای وزیران فرستاده شده، با ملاحظاتی که آن ها داشت، اکنون کمیته ای روی آن کار

برای دختران ۱۸ سال در قانون خانواده آوردیم. که نکته مثبت است.

به عنوان یک خانم موفق، نقش خانواده در پیشرفت شما چه تأثیری داشته است؟

خانواده ستون یک اجتماع را تشکیل می دهد. با تکامل خانواده ها جامعه به رفاه و آرامی می رسد. تا هنگامی که حمایت خانواده نباشد، فکر می کنم زن ها به خصوص نمی توانند که به خود و سایر زنان کار کنند. خانواده ام همیشه از من حمایت کرده. تمام موقعیت و جایگاه که دارم، به حمایت پدر و مادرم است. در قدم بعدی همسر است که همیشه حمایت و تشویق کرده است. همین حمایت ها بوده که توانسته ام، منحصبت یک زن در رهبری جامعه باشم و بر زندگی سایر زنان موثر واقع شوم.

این تحقیق در سه قسمت اجرا شد: در محیط کار، محیط آموزش و محلات عمومی. آن چه که ما متوجه شدیم، این بود که قانونی در این رابطه نیست. قانون جزا آزار و اذیت را جرم نشمرده است. قانونی باشد که اول آزار و اذیت را تعریف کرده و انواع آن را شناسایی کند. وقتی که نوع های آن شناسایی شد، برای هر یک جزای مشخص شود. با نهادهای مختلفی با دو طرح مقرر و قانون نشست داشتیم. دو دیدگاه در مورد مقرر آزار و اذیت جنسی زنان وجود داشت. برخی می گفتند که در موجودیت قانون منع خشونت علیه زنان نیازی به تصویب قانون آزار و اذیت جنسی زنان نیست. مشکل این جا بود که در قانون منع خشونت تنها در یکی از ماده ها آزار و اذیت جنسی را تعریف کرده بود. به همین دلیل برخی هم می گفتند که برای آزار و اذیت قانون مستقل و جداگانه تصویب شود. به سبب همین اختلاف دیدگاه ها، قانون آزار و اذیت از توشیح شدن بازمانده بود. ما با معاون رییس جمهور سرور دانش دیداری داشتیم و از ایشان خواستیم که قانون آزار و اذیت توشیح شود. ایشان گفتند که قبل تر گروهی از خانم ها آمده بودند که این قانون توشیح نشود. یعنی

می کند. کمیته ای دیگری در راستای هماهنگی بیشتر بر مبارزه علیه آزار و اذیت زنان و کودکان کار می کنند. دو تحقیق را در این کمیته انجام دادیم، تحقیق اول در مورد عوامل آزار و اذیت جنسی زنان و دیگری در مورد آسیب شناسی آزار و اذیت جنسی زنان در افغانستان بود. سپس مقرر منع آزار و اذیت را کار کردیم. این مقرر را به وزارت امور زنان فرستادیم. کمیته قوانین وزارت امور زنان روی مقرر کار کردند و به وزارت عدلیه فرستادند. وزارت عدلیه از ۲۸ ماده، ۴ ماده را حذف و ۴ ماده دیگر تعدیل کرد. با این کار، با آن که قانون تصویب شد، اما جنبه الزامیت قانون پایین آمد و احساس کردیم که مقرر نمی توانست وسیله ای مبارزه در برابر قضایای آزار و اذیت جنسی زنان واقع شود. به همین خاطر خواستار تصویب قانون در این رابطه شدیم. مسوده قانون منع آزار و اذیت جنسی زنان را آماده کردیم. با وزارت امور زنان، پارلمان و جامعه مدنی شریک کردیم. سال ۱۳۹۶ بود که خوشبختانه هر دو مجلس این قانون را تصویب کردند. بعد از اختلاف ها و بحث های که بر سر این قانون بود، بعد از هشت ماه، رییس جمهور نیز توشیح کرد. ما فعلا بر یک پلان عمل ملی



یکی از موانع توشیح قانون آزار و اذیت جنسی زنان، اختلاف دیدگاه ها میان خود زنان بود. با آن هم با دادخواهی ها این قانون از سوی رییس جمهور تصویب شد. این قانون یک فصل و ۲۷ ماده دارد. از این موارد ۳ ماده جزایی دارد. سایر ماده ها احکام عمومی و موارد وقایوی است.

در نقش یک محقق و پژوهشگر حوزه زنان، نظرتان در مورد اتهام های اخیر که به زنان در ارگ زده شده، چیست؟

ادعا صورت گرفته، نیاز است که رسیدگی شود. اگر رسیدگی نشود، این می تواند مانع برای حضور و مشارکت زنان در عرصه های مختلف شود. آن چه را همیشه گفته ام و پیشنهاد دادم این بوده که وظیفه دولت افغانستان است که باید به این ادعا رسیدگی کند. اگر ادعا درست بود، عاملین آزار و اذیت زنان مطابق قوانین افغانستان مجازات شود که عبرتی برای دیگران در آینده شود و دست سو استفاده گران کوتاه.

در مورد کودکان چه پژوهش ها و فعالیت های داشته اید؟

یکی از کارهای ما بررسی آزار و اذیت در مکاتب است که کودکان را نیز شامل می شود. مورد بعدی بررسی فرار از مکتب و عوامل آن است و موقوف قوانین در برابر فرار از منزل چیست. تبعیض والدین، چه تأثیری بالای دختران شان دراد. در تلاش که داشتیم سن ازدواج را

برای تطبیق قانون منع آزار و اذیت کار می کنیم. مسوده اولیه این قانون آماده شده، می خواهیم که با کمیسیون عالی منع آزار و اذیت شریک کنیم که ارگان های مرتبط نظر به فعالیت های که در پلان عمل مشخص شده، کار شان را آغاز کنند.

فعالیت کمیته دادخواهی زنان شامل چه فعالیت ها و مسایلی است و چه مشارکتی با دیگر نهادهای زنان دارد؟

کمیته سوم، کمیته دادخواهی زنان است. متشکل از ۳۰ نهاد به رهبری زنان، بر موضوع های زنان کار می کنند. در سال ۲۰۱۶ این کمیته ایجاد شد. بعضی فعالیت های ما به مشارکت زنان در روند صلح متمرکز بود که برخی زنان را در شورای عالی صلح معرفی کردیم، مورد مشورتی زنان ایجاد شد و برای حضور زنان در سطح رهبری نهادهای دولتی دادخواهی کردیم. اکنون شاهد تغییرات و دستاوردها در بخش امنیتی هستیم. همین فعالیت ها بوده و برخی فعالیت های مشترک با سایر نهادها. در این اواخر بیشتر فعالیت های ما بر مشارکت معنادار و موثر زنان در پروژه صلح متمرکز است. از تحقیقات ما تا اکنون بسیار خوب استفاده شده است.

قانون منع آزار و اذیت جنسی زنان شامل چه مواردی است و با چه مشکلاتی به تصویب رسید؟

ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد رویکرد نیمی

اهمیت مشارکت زنان در انتخابات

نمودن سرنوشت سیاسی شان سهم بگیرند و جز موثرترین افراد یک جامعه باشند. این در صورتی بود که زنان در مورد {خطایی} به پای چوبه‌ی دسار کشانده می شدند و سنگ سارشان می کردند اما حق شرکت در برنامه های سیاسی و... را نداشتند. این مسئله نیز مثل بسیاری از مسایل دیگر در همین قالب باش باقی نماند و صفحات دیگری باز شد و سرنوشت دیگری رقم خورد، و مسئله برابری زنان به اندازه‌ی مردان مطرح شد. اما تا به حال همه شاهد این است که حضور زنان در سهم گیری قدرت سیاسی کم رنگ تر از مردان است و این روند در تمام جهان به اندازه‌ی ظرفیت ایجاد شده برای هر ملتی حکمروایی می کند.

فضای حاکم امروز افغانستان در خصوص سهم گیری زنان در انتخابات نگران کننده است. عامل این نگرانی مسایل متعددی می باشد، از جمله می توان یادآور شد که بر علاوه ناامنی در بسیاری از ولایات افغانستان زنان حتا حق بیرون رفتن از خانه را به خاطر شرکت در انتخابات ندارند و این متأثر از افراطی مذهب دینی می باشد.

بنابراین باید راه کارهای را برای فراهم سازی شرکت زنان در انتخابات افغانستان در نظر گرفت. به راه حل های بسیاری از جمله با فهماندن زنان در مورد حقوق شان می توان ساختارها را شکستاند و آن ها را به این خود آگاهی رساند، و از مسوولیت های شان با خیر ساخت. حکومت و جامعه بین المللی تأثیر به سزایی برای اجرایی ساختن این مسئله دارد و می تواند کمک بکند برای بهبودی اوضاع بدی که زنان با آن رو بهرو اند.

قبل از هر نوع پیش داوری در این مورد، پرسش که در زمان حال برای جامعه مدنی و فعالین حقوق زن مطرح می باشد این است که مشارکت زنان در انتخابات پیش رو تا چه اندازه پر رنگ خواهد بود؟



Nimrokh Weekly

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان
سردبیر: مینا نصر
ویراستار: مسعود اختیاری
گزارشگر: ریحانه فرهمند
عکاس: حمیده مهردل

صفحه آرا: اولیا عماد
توزیع: شبکه زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
زیر نظر هیئت تحریر
شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴
آدرس الکترونیکی: info@nimrokh.af

خواننده‌گان عزیز نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کنند.

به جز روی کرد نیم‌رخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسندگان می‌باشد.
هفته‌نامه نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

سال سوم ■ شماره ۹۳ ■ شنبه ۱۲ اسد ۱۳۹۸ / Vol. 3 ■ No. 93 ■ Saturday 3, August, 2019

گزارش

آمنه امید



فقر؛ و فر آیند فحشا

«اگر در زندگی ام مردی را داشته باشم که شبانه با ۱۰ افغانی برایم یک نان خشک بیاورد دست به تن فروشی نمی‌زنم» این حرفه روایت اکثریت زنان است که به فحشا کشیده شده و برای ادامه این مسیر مجبور گردیده‌اند.

پژوهشگر جوان، کنش‌گر و فعال عرصه زنان بانو «یلدا رویان» پژوهشی را تحت عنوان «عوامل افزایش فحشا در شهر کابل» به عنوان پایان‌نامه دوره ماستری اش انجام داده و آن را با این عبارت تقدیم کرده است: «تقدیم به زنانی که بخاطر فروش تن اش «فاحشه» اش می‌خوانیم و مردی را که طرف این معامله است «مرد» می‌دانیم». این اولین تحقیق علمی در مورد زنانی است که از تن شان مایه می‌گذارند تا زنده بمانند.

در پژوهش انجام شده برای جمع‌آوری اطلاعات از روش گلوله برفی و برای تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج اصلی، یافته‌های حاشیه‌وی و راه حل‌های پیشنهادی برای کاهش آسیب و تا حد ممکن جلوگیری از این

کار از برجسته‌ترین موارد، در این تحقیق می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خانم‌های به اصطلاح «فاحشه» با عوامل چون فقر اقتصادی، مشکلات عاطفی - احساسی، ازدواج‌های اجباری، خشونت و افزایش تقاضای سکس از طرف مردها به عنوان عوامل افزایش و گسترش دهنده فحشا بیشترین میزان موافقت را داشتند. اما در کنار این‌ها عوامل تشدیدکننده و افزایش دهنده دیگر را که محقق در جریان انجام تحقیق دریافته است این است که عوامل مانند حس انتقام جویی در مقابل خیانت شوهر و انجام عمل بالمثل، از دست دادن بیکارت در دختران و فحشای اجباری نیز جز موارد است که به افزایش و گسترش فحشا افزوده است.

در گزارش کنونی بعضی از قسمت‌های این پژوهش بخاطر ارزش سندی این‌گونه آورده شده است:

در مقدمه (قسمت از پاراگراف اول): «تن فروشی

یا فحشا، به تجارت یا پیشه آمیزش جنسی طبیعی یا غیرطبیعی در قبال درآمد و یا برخی دیگر از منافع مطرح می‌شود. در پدیده فحشا (خودفروشی) مقام انسان به یک شیء تنزل می‌یابد. به کسی که در هر بخش از این پیشه کار می‌کند می‌گویند کارگر جنسی. فحشا یکی از شاخه‌های صنعت سکس

تحصیل کرده بودند و ۱۴٪ آنان بیسواد بودند. ۳۲٪ آنها خانم‌های مطلقه، ۳۶٪ شوهردار، ۲۳٪ مجرد و ۹٪ شان خانم‌های بیوه هستند. ۴۵٪ این زنان شاغل و ۵۵٪ آنها بیکار اند و...»

نتیجه‌گیری: «فاحشه‌گری نوعی زندگی



(یا تجارت جنسی) است که متأسفانه موضوع فحشا، با وجود گستردگی فزاینده آن، در جامعه ما از پشتوانه تحقیقاتی لازم برخوردار نمی‌باشد.»

اهداف:

«هدف اصلی:

شناسایی و دسته‌بندی عوامل اساسی شیوع فحشا در شهر کابل

اهداف فرعی:

شناسایی و تحلیل عوامل فحشا در شهر کابل ارائه راهکارهای عملی مدیریت یا مبارزه با فحشا»

تحلیل یافته‌ها: «آمار و ارقام بدست آمده بیانگر این است که:

بیشترین زنان فاحشه را جوانان تشکیل می‌دهند. از ۲۲ خانم که مورد مصاحبه قرار گرفتند ۲۰ تن آن‌ها زیر سن ۳۵ قرار دارند. ۴۱٪ آنها تا صنف دوازدهم درس خوانده‌اند و ۲۲٪ از آنها دارای تحصیلات عالی بوده، ۹٪ تا دوره ثانوی درس خوانده‌اند، ۱۳٪ تا دوره ابتدایی

خطرناک و سخت است که به سبب آمیختگی دلایل چندگانه فردی، خانوادگی و ساختاری در بروز آن، فرار قربانیان از این گرداب سهمگین بسیار دشوار می‌نماید. پدیده‌ای توأم با تحقیر، تهدید،

ارعاب، آزار زبانی و

جنسی، شی‌انگاری و

خشونت مفرط

فیزیکی علیه زنان

فاحشه پدیده‌ای که

در زیر پوست جامعه

ما قدرتمندانه در حال

زیستن است و چون

گردابی ترسناک نه

تنها تمامی هویت زن را

در خویش فرو می‌بلعد

بلکه جامعه‌ای را در

تنفس مرگبار خویش به

تباهی می‌کشاند. و...»

جدگینسو

سونیا آزمان

کابوس

در جهان سوم

زنده‌گی، بی‌سروصداست

روزها کار می‌کنیم

شبه‌خواب

بیداریمان تکرار در تکرار است

فقط

هر از گاهی منفجر می‌شود

ماین‌ها، کنار جاده.

گل‌های وحشی را بیش‌تر دوست دارم

هر تخمی که

از دل دشت بیرون می‌شود

علفی که از کلاه تبه

درختی که از دامن کوه

...

تکرار می‌گویم

همه را دوست دارم

و تورا

که از جزیره‌ی ناشناخته‌ی

به جنگل نامشکوف زنی

پناه برده‌ای

صفحه ۳..

Star Educational Society

Since 1998

تفاوت را با ما تجربه کنید!

JOIN US FOR A DIFFERENCE

چرا باید به ستاره بپیوندید؟

- بیش از ۲۰ سال تجربه تدریس عالی انگلیسی
- بیش از شصت هزار نفر فارغ التحصیل زبان انگلیسی
- بیش از صد نفر دانش آموز ستاره‌حازر بورس فولبرایت آمریکا
- برای سهولت دسترسی شما، ۱۵ شعبه ستاره در نقاط مختلف شهر کابل و ۶ ولایت
- متخصص مشاوره برای دریافت امکانات عالی تحصیلی در دانشگاه‌های بین‌المللی
- بنیان‌گذاری اولین نشریه آموزشی زبان انگلیسی افغانستان به نام ایتر استار با شمارگان ۷۰۰۰ نسخه

مجموعه آموزشی ستاره
ثبت نام می‌کند

American English File

وب سایت: star.edu.af

شماره‌های تماس تماس:

انستیتوت: ۰۷۸۹۰۶۳۷۲۳

شعبه A: ۰۷۴۴۵۶۳۷۵۵

شعبه B: ۰۷۴۴۰۴۶۰۵۲

شعبه C: ۰۷۰۸۴۵۷۴۵۳

شعبه D: ۰۷۷۹۶۱۸۵۵۰

شعبه E: ۰۷۷۱۰۴۰۲۳۵

شعبه H: ۰۷۴۶۱۳۴۹۶۲

معیار فاقد اعتبار



طنزینه

مجویبه مسیحا

در شرایط فعلی که دانشگاه‌های افغانستان بیشتر به طویله شبیه‌اند تا مراکز آکادمیک، و افرادی را هم که فارغ می‌دهند در بسیاری موارد حتی اسم خود را عاری از اشتباه نمی‌توانند بنویسند چه رسد به این‌که دو جمله را عاری از اشتباه بنویسند، معیار و ملاک استخدام‌ها در ادارات داشتن اسناد تحصیلی اشتباه بسیار بزرگ است. به باور من بسیار خوب می‌بود اگر استخدام‌ها بر اساس لیاقت و شایستگی فردی صورت می‌گرفت، نه بر اساس اسناد تحصیلی. افراد زیادی که اسناد و

مدارک تحصیلی زیر بغل دارند و به همان اساس هم در ادارات استخدام شده‌اند به احتمال قوی، از همان ابتدا انگیزه شان این بوده است که صاحب مدرک شوند تا بتوانند راحت‌تر کار گیر بیاورند، اساساً انگیزه شان از رفتن به دانشگاه هرگز این نبوده که چیزی فرا بگیرند و بر ظرفیت‌شان بیفزایند. بنابراین غالب افرادی که از دانشگاه‌های افغانستان فارغ می‌شوند با زیر بغل پر و کله خالی، آن‌هم در حدی که «الف را دانگ» می‌خوانند راهی ادارات افغانستان می‌شوند و نظام بی‌کاره و فاسد را بیار

می‌آورند. البته قابل ذکر می‌دانم که تمام کسانی که از دانشگاه‌ها فارغ می‌شوند نمی‌توانند مخاطب این نوشته‌ها باشند، زیرا بدون شک افراد توانمند و با استعدادی هم وجود دارند که از هر فرصتی برای خودسازی و بالا بردن ظرفیت‌شان استفاده می‌کنند و هنگام فراغت از دانشگاه همان‌گونه که زیر بغل‌شان پر است، کله شان نیز پر می‌باشد. اما به راحتی می‌توانم ادعا کنم که جمع کثیری از تحصیل‌یافته‌گان محترم و محترمه ما متأسفانه «الف در جگرشان نیست